

## ابزارهای انگیزتگی در نشانه‌های زبان اشاره: بررسی وجوه معنایی دلالت در یک زبان اشاره‌ی خانگی

علی ایزانلو<sup>۱</sup>  
شهلا شریفی

### چکیده

در خصوص رابطه‌ی میان صورت و معنی نشانه‌ها، بر اساس دیدگاه غالب و پذیرفته شده در محافل زبان‌شناسی، این رابطه عموماً قراردادی و اختیاری است. در پژوهش حاضر، با استفاده از ابزارهای انگیزتگی، نشانه‌های یک زبان اشاره‌ی خانگی مورد بررسی قرار گرفته است. داده‌های تحقیق در طول دو سال از طریق مصاحبه با فرد اشاره‌گر گردآوری شده است. پس از گردآوری مجموعه نشانه‌های اشاره‌ای، تک‌تک نشانه‌ها مورد بررسی قرار گرفته و رابطه‌ی صورت هر یک از نشانه‌ها با معنی آنها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. هر نوع شباهت صوری و یا ارتباط منطقی میان صورت و معنی نشانه‌ها فهرست شده، در نهایت مجموعه‌ای از ابزارهای انگیزتگی به کار رفته برای خلق ارتباط معنی‌دار میان صورت و معنی نشانه‌ها ارائه شده است. این تحقیق نشان می‌دهد که میان صورت و معنی نشانه‌های این زبان اشاره‌ی خانگی، رابطه منطقی و معنی‌داری بر اساس الگوهای انگیزتگی برقرار است.

واژه‌ها کلیدی: زبان اشاره‌ی خانگی، ابزارهای انگیزتگی، رابطه‌ی معنی‌دار

## ۱. مقدمه

در این تحقیق وجوه انگیزختگی نشانه‌های اشاره‌ای یکی از زبان‌های اشاره خانگی مورد بررسی قرار گرفته است. انگیزختگی (*motivation*) اصطلاحی است که عموماً در مقابل واژه‌ی *قراردادی* به کار می‌رود. در مطالعات زبانی سده اخیر عموماً بحث قراردادی بودن نشانه‌های زبانی بر پایه‌ی استدلال‌های فردیناندو سوسور قرار گرفته است. وی معتقد بود که نشانه مفهومی است ذهنی که از ارتباط ذهنی دال و مدلول به وجود می‌آید. دال همان صورت زبانی است که به مدلول یعنی تصویر ذهنی شیء، کنش و یا حالتی در جهان خارج اشاره می‌کند. رابطه‌ی میان دال و مدلول دلالت نامیده می‌شود که بر اساس این رویکرد رابطه‌ای است صرفاً قراردادی و اختیاری. به عبارت دیگر، انتخاب یک صورت زبانی برای یک مفهوم به هیچ نوع شرایط برونی وابسته نیست. سوسور موضع خود را نسبتاً روشن بیان می‌کند و اعلام می‌کند که «نشانه‌های زبان اختیاری هستند» (سوسور ۱۹۷۴: ۶۷) و اختیاری را به معنای «انگیزخته نشده» تعریف می‌کند. بر این اساس هیچ رابطه‌ای طبیعی میان دال و مدلول وجود ندارد (همان: ۸۹).

نظام‌های اشاره‌ای خانگی (*home sign systems*) زبان‌هایی هستند که در صورت نبود زبان گفتاری و یا زبان اشاره‌ای معیار، به طور طبیعی خلق می‌شوند (پادن، ۱۹۸۸؛ تروورت، ۱۹۶۱). کودکان ناشنوایی که در خانواده‌های شنوا به دنیا می‌آیند و تحت تأثیر زبان اشاره معیار نیز قرار نمی‌گیرند، به طور خودکار و برای ایجاد ارتباط با اطرافیان، نظامی بر پایه اشارات ابداع می‌کنند. از آنجا که این گونه نظام‌ها فاقد پیشینه‌ی تاریخی هستند، نشانه‌هایی که در آنها به کار می‌رود، اهمیت ویژه‌ای در درک نظام شناختی و مفهومی افراد دارد. تحقیقات زبان‌شناختی نشان می‌دهد که این نظام‌های اشاره‌ای در واقع زبان‌های اشاره‌ای هستند و ویژگی‌های منحصر به فرد زبان‌های طبیعی را نیز دارند (گولدین‌مدو ۲۰۰۳). تحقیق حاضر رابطه صورت و معنی نشانه‌ها در یک زبان اشاره خانگی را مورد بررسی قرار داده است و بدین وسیله علاوه بر نشان دادن رابطه‌ی منطقی و معنی‌دار میان صورت و معنی نشانه‌ها، ابزارهای شناختی به کار رفته در ایجاد و حفظ این ارتباط معنی‌دار مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

انگیزختگی به هر نوع ارتباط منطقی میان دال و مدلول گفته می‌شود. این بدان معناست که وجود و ماهیت دال نمی‌تواند به طور کلی مستقل از مدلول باشد و در سطح یا سطوحی درگیر و در ارتباط با مدلول است. این دیدگاه در زبان‌های اشاره بیشتر مورد استقبال واقع شده است. علت این امر هم ماهیت دیداری نشانه‌های اشاره‌ای است. این ویژگی باعث شده است تا جنبه‌های بیشتری از مفاهیم قابل نمایش در زبان اشاره باشد. البته تحقیقات بسیاری نیز در حوزه‌ی زبان‌های گفتاری به بررسی مفاهیم شمایل‌گونی، انگیزختگی و به طور کلی ارتباط منطقی میان دال و مدلول انجام گرفته شده است (سپیر ۱۹۴۹؛ یسپرسن ۱۹۳۳؛ رودس ۱۹۹۴؛ بورلینگ ۱۹۹۹).

در این مقاله وجوه انگیزختگی تحت عنوان ابزارهای انگیزختگی (*motivation devices*) در یک زبان اشاره خانگی مورد بررسی قرار گرفته است. این ابزارها در زبان‌های گفتاری و اشاره لزوماً یکسان نیستند و این خود به دلیل تفاوت ماهوی است که این دو نظام زبانی با هم دارند. این تفاوت اساساً بر مبنای تفاوت در نحوه‌ی تولید و ادراک این زبان‌هاست.

مطالعات انجام شده در خصوص ماهیت ابزارهای انگیزتی به طور اخص بسیار محدود است و به جرأت می‌توان گفت که به شمار انگشتان دست نمی‌رسد. مقاله‌ی مندل (۱۹۷۷) اولین تحقیق شناخته شده در این زمینه است که در آن، فهرستی مختصر از ابزارهای شمایل‌گونه زبان اشاره‌ی آمریکایی ارائه داده شده است. وی در این مقاله چهار ابزار شمایل‌گونه را تشخیص داده است: (۱) ابزار تقلید یک کنش: در این ابزار برای نمایش شمایل‌گونه یک پدیده می‌توان به تقلید آن پرداخت. (۲) ابزار اشاره به مفهوم: همان‌گونه که از نام این ابزار معلوم است برای نمایش شمایل‌گونه مفاهیم می‌توان به آنها اشاره کرد. (۳) ابزار جایگزینی دست‌ها برای مفاهیم: در این ابزار دست‌ها شکل مفهوم مورد نظر را نمایش می‌دهند. به عبارت دیگر شکل دست‌ها به عنوان جایگزینی برای مفهوم مورد نظر به کار می‌رود. (۴) آخرین ابزار شمایل‌گونه‌ای که مندل معرفی می‌کند زمانی به کار می‌رود که برای نمایش یک مفهوم شکل آن را با دست در فضا رسم کنیم. برای نمونه در برخی زبان‌های اشاره برای نشانه‌ی کوه شکل آن را با انگشت در فضا رسم می‌کنند.

سوتون-سپنس و وول (۱۹۹۹) ابزارهای شمایل‌گونه‌ی مندل را بر روی زبان اشاره‌ی بریتانیایی پیاده کردند. تای (۲۰۰۵) نیز بر پایه‌ی مطالعات مندل (۱۹۷۷) و تائوب (۲۰۱۰) هشت ابزار شمایل‌گونه را در زبان اشاره تایوانی تشخیص می‌دهد. این ابزارها عبارتند از (۱) ابزار اشاره مستقیم (۲) ابزار عدد (۳) ابزار شکل (۴) ابزار اندازه (۵) ابزار جزء برای کل (۶) ابزار جایگزینی (۷) ابزار زمان (۸) ابزار مجاز.

مارجوری چان و وانگ‌خو (۲۰۰۹) نیز ابزارهای تعریف شده به وسیله‌ی تای (۲۰۰۵) را پذیرفته و آنها را در زبان اشاره چینی پیاده کرده‌اند. آنها علاوه بر ابزارهای هشت‌گانه‌ی تای، ابزار حرکت را نیز که در دسته‌بندی تائوب وجود دارد به تجزیه و تحلیل خود افزودند. سو و تای (۲۰۰۹) با استفاده از ابزارهای شمایل‌گونه‌ی الگوی سوتون-سپنس و وول نظام واژگی زبان‌های اشاره چینی، تایوانی و ژاپنی را با زبان اشاره آمریکایی مقایسه کرده‌اند. بر اساس تحقیقات آنها زبان اشاره تایوانی و ژاپنی از یک خانواده به شمار می‌آیند. در مقابل شباهت‌های صوری میان زبان اشاره تایوانی و چینی ظاهراً به دلایل برخورد زبانی و پدیده‌ی قرض‌گیری است.

مهم‌ترین تحقیقی که در زمینه‌ی ابزارهای انگیزتی انجام گرفته است تحقیق تائوب (۲۰۱۰) است که نسبت به تحقیقات قبلی دسته‌بندی نسبتاً دقیق و کاملی را ارائه داده است. وی ۱۰ ابزار انگیزتی را به قرار زیر ارائه داده است: (۱) پدیده‌های فیزیکی بر خودشان دلالت دارند. به عبارت دقیق‌تر در برخی نشانه‌های اشاره‌ای اعضای بدن نمایش‌گر خود اعضای بدن هستند. (۲) شکل صوری اعضای بدن بر شکل مفهوم مورد نظر دلالت می‌کند. (۳) کارکرد اعضای بدن بر کارکرد مفهوم دلالت می‌کند. (۴) حرکت اعضای بدن بر حرکت مفهوم دلالت دارد. (۵) حرکت اعضای بدن بر شکل مفهوم دلالت دارد. در این ابزار شمایی برخلاف دسته قبل، حرکت اعضای بدن نمایش‌گر حرکت مفهوم نیست. بلکه حرکتی که دست انجام می‌دهد تلاشی است که فرد برای به تصویر کشیدن مفهوم انجام می‌دهد. (۶) فواصل و موقعیت فضایی اعضای بدن به هنگام تولید نشانه بر فواصل و موقعیت مفهوم مورد نظر در جهان خارج نسبت به فرد دلالت دارد. (۷) اندازه‌ی اعضای بدن بر اندازه‌ی مفهوم دلالت دارد. (۸) شمار اعضای بدن (دست و انگشتان) بر شمار مفهوم دلالت دارد. (۹) ترتیب زمانی حرکات اعضای بدن بر ترتیب

زمانی مفهوم دلالت دارد. (۱۰) آخرین ابزار انگلیختگی که تائوب معرفی می‌کند زمانی به کار می‌رود که اشاره‌گر قصد داشته باشد نشانه‌های فرد دیگری را نقل قول (و یا به عبارت دقیق‌تر نقل اشاره) کند. در این مواقع اشاره‌گر موقعیت مکانی و شخصیتی فرد را نیز در زبان اشاره خود نمایش می‌دهد. برای نمونه زمانی که اشاره‌گر سخنان مادر و کودکی را نقل قول می‌کند، با توجه به اینکه مادر بلندتر از کودک است، هنگام تولید نشانه‌های مادر نگاه اشاره‌گر به پایین متمایل می‌شود. گو آنکه در نقش مادر در همان لحظه در حال سخن گفتن با کودک است و بالعکس زمان تولید نشانه‌های کودک نگاه اشاره‌گر به بالا متمایل می‌شود.

## ۲. روش تحقیق

نتایج این تحقیق بر اساس مطالعاتی به‌دست آمده است که بر روی نشانه‌های اشاره‌ای یک زبان اشاره‌ی خانگی انجام گرفته است. فرد مورد مطالعه فاطمه نام دارد و تقریباً شصت ساله است. او قبلاً در شهر بجنورد در روستایی به نام اسفیدان زندگی می‌کرده است. حدود پنج سال پیش به مشهد مهاجرت کرده است. هیچ‌گاه به مدرسه نرفته و هیچ گونه آموزش رسمی اعم از زبان گفتاری یا اشاره‌ای نیز نداشته است. فاطمه به طور مادر زادی ناشنوا نیست. بر اساس گفته اعضای خانواده (خواهرها و برادرها) در سن حدود دو سالگی بر اثر یک بیماری نامعلوم و تجویز نادرست دارو توسط اطرافیان، شنوایی و به تبع آن توانایی گفتاری خود را از دست داده است. بر اساس آزمایش‌های شنوایی سنجی، میزان ناشنوایی او ۱۰۰ دسیبل است.

گردآوری نشانه‌های زبان اشاره فاطمه در مدت حدود ۲ سال انجام گرفته است. برای این منظور با ایشان مصاحبه‌های بسیاری انجام شده است. هرچند بر اساس این تحقیق نشانه‌های زبان اشاره فاطمه انگلیخته هستند و با مفاهیم مرتبط به آنها رابطه منطقی دارند، اما این بدان معنا نیست که همه می‌توانند به راحتی با وی ارتباط موفق برقرار کنند. این امر از آنجا ناشی می‌شود که فاطمه اشارات را با سرعت بالایی تولید می‌کند و عموماً در حالت عادی بسیاری از اشارات کوتاه و خلاصه می‌شوند و یا با توجه به بافت تغییرات چندمی می‌پذیرند. از همین رو اطرافیان فاطمه بر اساس میزان آشنایی و تسلط آنها با زبان اشاره وی، می‌توانند با او ارتباط موفق برقرار کنند. با توجه به اینکه نشانه‌های زبان‌های اشاره معیار عموماً در طول زمان و انتقال از نسلی به نسل دیگر دستخوش تغییر می‌شوند، با نشانه‌های زبان‌های اشاره خانگی علی‌رغم مطابقت‌های چندمی تفاوت‌های بسیاری دارند. از همین رو ارتباط زبانی میان اشاره‌گر معیار و خانگی نیز به سختی امکان‌پذیر است. در این بین فرزندان فاطمه زبان او را به طور طبیعی فرا گرفته‌اند و به راحتی می‌توانند با او ارتباط موفق برقرار کنند. به همین دلیل در این مصاحبه‌ها دختر ۱۹ ساله وی به عنوان مترجم نقش داشته است.

برای بررسی منسجم نشانه‌ها از فرهنگ لغت فارسی به فارسی عمید به عنوان فهرست نشانه‌ها استفاده شده است. به این ترتیب که یک یک واژه‌های موجود در فرهنگ عمید بررسی شده و معادل آنها (در صورت وجود) در زبان اشاره‌ی فاطمه استخراج شده است. برای استخراج نشانه‌ها از چند شیوه‌ی مختلف استفاده شده است:

۱- اولین و مهمترین شیوهی استخراج نشانه‌های اشاره‌ای فاطمه نمایش تصاویر بوده است. در این شیوه تصاویر گوناگون به وی نشان داده شده و از او خواسته شده تا معادل آن را به زبان خود تولید کند.

۲- برای مفاهیمی که تصویر آن در دسترس نبوده و یا احتمال آن بوده که منظور مورد نظر ما را برداشت نکند، به روایت گذشته متوسل می‌شدیم. برای نمونه زمانی که می‌خواستیم نشانه‌ی باغ را استخراج کنیم، تصویر یک باغ را نشان دادیم. اما وی به توصیف درخت‌ها و گل‌های موجود در تصویر می‌پرداخت و مفهوم مورد نظر ما را تولید نمی‌کرد. در این مواقع از مترجم می‌خواستیم تا از او بخواهد در مورد آنچه در روستا و در فصل جمع‌آوری محصول انجام می‌دادند، برای ما سخن بگوید. او به طور مفصل به این موضوع می‌پرداخت و در این بین با کمک مترجم نشانه‌های گردآوری شده را اصلاح می‌کردیم و در این بین مفاهیمی را که از طریق تصویر نتوانسته بودیم استخراج کنیم، می‌یافتیم.

۳- سومین شیوهی استخراج و در حقیقت تایید نشانه‌های استخراج شده، مشورت با اعضای خانواده‌ی (فرزندان، برادران و خواهران) وی بوده است. برخی از نشانه‌هایی که در صحت و سقم آن شک داشتیم، با اطرافیان دیگر مشورت کرده، در مورد آن مطمئن شده‌ایم.

۴- آخرین شیوهی استخراج و تایید نشانه‌های استخراج شده که بیشتر در اواخر کار انجام می‌شد، مشاهده‌ی دقیق گفتگوی وی با اطرافیان بود. با توجه به اینکه در اواخر تحقیق با بسیاری از نشانه‌های وی آشنا شده بودیم، می‌توانستیم داده‌های خود را در بافت بازبینی کنیم.

تمام مصاحبه‌های انجام شده به وسیله‌ی یک دوربین ۵ مگا پیکسلی ضبط شده است. سپس مصاحبه‌ها بر روی رایانه انتقال داده شده و پس از بررسی دقیق فیلم هر مصاحبه، با استفاده از نرم افزار یولید<sup>۱</sup> بخش‌های نامربوط حذف شده است. در این مرحله حدود ۱۵ ساعت مصاحبه تصویری به دست آمده است و سپس هر مصاحبه به قطعات چند ثانیه‌ای تقطیع شده است. هر قطعه نمایش‌گر یک نشانه است. از آنجا که درج نشانه‌ها بر روی کاغذ به صورت قطعات ویدئویی ناممکن است، هر نشانه به صورت مجموعه‌ی از تصاویر نمایش داده شده است. برای این کار با استفاده از نرم‌افزار یولید، تک تک قطعات ویدئویی به تصاویر تبدیل شده‌اند. پس از این مرحله با استفاده از نرم‌افزار فتوشاپ<sup>۲</sup> اضافات هر تصویر برداشته شده و برای نمایش بر روی کاغذ تنظیم شده است. اندازه‌ی هر تصویر بین ۲۰ تا ۵۰ کیلو بایت انتخاب شده است.

بدین وسیله ۶۳۴ نشانه‌ی اشاره‌ای زبان اشاره خانگی فاطمه شامل نشانه‌های نقشی و محتوایی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در هر یک از این نشانه‌ها رابطه صورت نشانه و معنی آن مورد توجه قرار گرفته و هر نوع ارتباط منطقی فهرست شده است. پس از آن الگوهای مشابه شناسایی شده و در دسته‌های یکسان قرار داده شده‌اند.

<sup>۱</sup> Ulead Vedio Studio 10

<sup>۲</sup> Adobe Photoshop CS

## ۳. یافته‌ها

در این بخش ابزارهای انگ‌یختگی نشانه‌های اشاره‌ای زبان اشاره فاطمه مورد بررسی قرار می‌گیرد. نامگذاری هر یک از ابزارهای معرفی شده بر اساس وجه معنایی آن انجام گرفته است و سعی بر این بوده است که نام ابزارها خود اطلاعات چندی درباره‌ی ماهیت آن به خواننده بدهد. هر یک از این ابزارها بر اساس وجه معنایی خود در دسته‌ای قرار گرفته‌اند. هر دسته عموماً دارای زیرشاخه‌هایی است که به وجوه مختلف و مرتبط به آن می‌پردازد. به دلیل ماهیت تصویری نمونه‌ها و اشغال فضای زیاد، برای هر ابزار تنها به یک یا دو نمونه‌ی بارز اکتفا شده است.

۱- ابزار شکل: در بسیاری از نشانه‌ها شکل دست‌ها اطلاعات گوناگونی از مفهوم مورد نظر به مخاطب می‌دهد. بر همین اساس نمایش تصویرگونه‌ی شکل مفاهیم از مهمترین ابزارهایی است که زبان‌های اشاره از آن استفاده می‌کنند. (الف) ابزار شکل جهت نمایش شکل مفهوم: در این مورد اعضای بدن به ویژه دست‌ها شکل مفهوم مورد نظر را نمایش می‌دهند. لازم به ذکر است که در بسیاری از نشانه‌ها دست شکل جزئی از مفهوم مربوط را نمایش می‌دهد و مفهوم را به صورت یک کل بازسازی نمی‌کند. برای نمونه در نشانه‌ی پوست کردن (شکل ۱) انگشت سبابه دست راست نمایش چاقو است نه نمایش پوست کردن.



شکل (۱) نشانه پوست کردن

(ب) ابزار شکل جهت نمایش کیفیت مفهوم: در برخی از نشانه‌ها شکل دست شکل یا کنش مفهوم را نمایش نمی‌دهد، بلکه کیفیت یک مفهوم یا کیفیت مشخصه‌ای مرتبط با آن را نمایش می‌دهد. برای نمونه در نشانه‌ی تنگ (شکل ۲) مشت نمایش کیفیت تنگ بودن است و ارتباطی با شکل مرجع (در اینجا کفش) ندارد، چراکه به طوری کلی برای اشاره به هر چیز تنگ از همین نشانه استفاده می‌شود.



شکل (۲) نشانه تنگ

(پ) ابزار شکل جهت نمایش اندازه‌ی مفهوم: برخی مواقع برای شناساندن یک مفهوم به اندازه آن می‌توان اشاره کرد. در واقع نمایش اندازه یک مفهوم خود ابزاری است که در به تصویر کشیدن آن مفهوم می‌تواند بسیار مفید باشد. برای نمونه در نشانه جارودستی (شکل ۳) کف دست چپ همزمان با نمایش شکل جارودستی، اندازه تقریبی آن را نیز به تصویر می‌کشد.



شکل (۳) نشانه جارودستی

(ت) ابزار شکل نمایش عدد: این ابزار برای نمایش مفاهیم عددی به کار می‌رود. برای نمونه زمانی که عدد دو (۴ الف) را با دو انگشت و نشانه شنبه (شکل ۴ ب) را با یک انگشت نشان می‌دهد، در واقع از ابزار عدد استفاده کرده است.



(ب) نشانه‌ی شنبه



(الف) نشانه‌ی دو

شکل (۴)

(ث) ابزار شکل جهت نمایش عضو یا اعضای بدن: در برخی نشانه‌ها اعضای بدن نمایش اعضای بدن انسان می‌باشد. در این موارد دست‌ها نمایش‌گر خود دست‌ها به هنگام انجام کار یا فعالیتی مرتبط با مفهوم مربوط هستند. برای نمونه در نشانه سیگار (شکل ۵) دست راست شکل دست را به هنگام نگه داشتن و کشیدن سیگار نمایش می‌دهد.



شکل (۵) نشانه سیگار

۲- ابزار حرکت: در بسیاری از نشانه‌ها حرکت دست‌ها اطلاعات گوناگونی از مفهوم مورد نظر به مخاطب می‌دهد. این اطلاعات را می‌توان به قرار زیر دسته‌بندی کرد:

(الف) ابزار حرکت نمایش شکل مفهوم: در این ابزار مسیری که دست (ها) در فضا ترسیم می‌کنند، نمایش شکل مفهوم است. برای نمونه در نشانه حاجی یا روحانی (شکل ۶) که در هر دو به عمامه روی سر اشاره می‌شود، حرکت دورانی دست مسیری را به دست می‌دهد که نمایی کلی از شکل عمامه را به مخاطب می‌دهد.



شکل (۶) نشانه حاجی (روحانی)

(ب) ابزار حرکت جهت نمایش سرعت مفهوم: در برخی از نشانه‌ها مانند لاک‌پشت (شکل ۷)، سرعت به عنوان یک مشخصه معنایی دارای اهمیت است و می‌تواند به عنوان ابزاری در شناساندن و نمایش مفهوم مفید واقع شود. در نشانه لاک‌پشت سرعت بسیار آهسته حرکت دست برای تاکید بر کند بودن سرعت لاک‌پشت به کار رفته است.





شکل (۷) نشانه لاک پشت

(پ) ابزار حرکت جهت نمایش حرکت مفهوم: بسیاری از مفاهیم دارای حرکت هستند. نمایش حرکت مفاهیم ابزاری است بسیار کارآمد برای اشاره به یک مفهوم. از همین جهت بسیاری از نشانه‌های تولید شده بر اساس نوع حرکت مرتبط با مفهوم شکل گرفته‌اند. برای نمونه در نشانه‌ی کانگرو (شکل ۸ الف) حرکت جهشی و در نشانه‌ی مار (شکل ۸ ب) حرکت زیگزاگ به تصویر کشیده شده است.



(الف) نشانه‌ی کانگرو

شکل (۸)



(ب) نشانه‌ی مار

(ت) ابزار حرکت جهت نمایش حرکت همراه مفهوم: در بسیاری از نشانه‌ها حرکت موجود صرفاً حرکت خود مفهوم نیست، بلکه حرکت اعضای بدن به هنگام برهمکنش با مفهوم مورد نظر است. این نوع حرکت عموماً برای اشیایی صادق است که به عنوان ابزاری در دست فرد به کار می‌رود. برای نمونه در نشانه‌ی منگنه (شکل ۹) حرکت مستقیم دست به هنگام به کار بردن این ابزار به تصویر کشیده شده است.



شکل (۹) نشانه‌ی مگنه

(ث) ابزار حرکت جهت نمایش تکرار: در برخی از نشانه‌ها حرکت موجود در مفهوم به صورت مکرر تولید می‌شود تا به عنوان مشخصه‌ای معنایی در بازشناسایی مفهوم به مخاطب یاری کرده باشد. برای نمونه در نشانه‌ی دوچرخه (شکل ۱۰) تکرار حرکت دورانی دست‌ها که نمایش حرکت پاهاست، حکایت از تکرار رکاب زدن در دوچرخه سواری است.



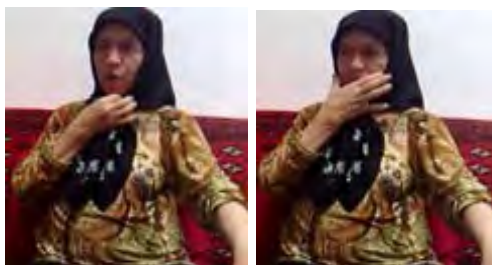
شکل (۱۰) نشانه دوچرخه

(ج) ابزار حرکت جهت نمایش عدد: در برخی از نشانه‌ها حرکت دست حرکت مفهوم یا اعضای دست را نمایش نمی‌دهد، بلکه به منظور نمایش عدد به کار رفته است. برای نمونه در نشانه دکمه (شکل ۱۱) حرکت مکرر دست در راستای سینه به سمت پایین به وجود دکمه‌های متعدد در پیراهن اشاره دارد.



شکل (۱۱) نشانه دکمه

(ج) ابزار حرکت جهت نمایش جا و مکان: این ابزار محل مرتبط با مفهوم را از طریق حرکت دست‌ها نمایش می‌دهد. برای نمونه در نشانه ریش (شکل ۱۲) حرکت مستقیم و رو به پایین دست به منظور اشاره به محل مرتبط با مفهوم ریش است.



شکل (۱۲) نشانه ریش

(ح) ابزار حرکت جهت نمایش کیفیت مفهوم: در برخی نشانه‌ها حرکت دست‌ها برای نمایش کیفیت مفهوم به کار می‌رود. برای نمونه در نشانه دعوا کردن (شکل ۱۳) حرکت مستقیم دست راست به سمت پایین و در جهت دست چپ کیفیت وجود برخورد میان طرفین دعوا را به تصویر می‌کشد.



شکل (۱۳) نشانه دعوا کردن

۳- ابزار زمان: گاهی اوقات زمان به عنوان مشخصه‌ی معنایی یک مفهوم به شمار می‌آید و یا به طریقی در معنای آن مفهوم نقش دارد. در این موارد نشانه‌های اشاره‌ای نیز می‌توانند به دو روش اصلی نقش زمان را در معنای مفاهیم نمایش دهند:

(الف) ابزار زمان جهت نمایش همزمانی حرکت مفهوم: در برخی نشانه‌ها مانند نشانه کشیدن (شکل ۱۴) حرکت دست‌ها باید به صورت همزمان انجام گیرد. در این نشانه‌ها همزمانی حرکات دست‌ها خود نقش مهمی در درک مفهوم مورد نظر دارد.



شکل (۱۴) نشانه الک کردن

(ب) ابزار زمان جهت نمایش تناوب حرکت مفهوم: در بعضی نشانه‌ها حرکت دست‌ها که نمایش‌گر حرکت مفهوم است - مانند نشانه راه رفتن (شکل ۱۵) می‌بایست به صورت متناوب انجام شود. به عبارت دیگر در صورتی که دست‌ها که نمایش پاها هستند، به صورت همزمان حرکت کنند، مفهوم دیگری (پريدن) بوجود خواهد آمد.



شکل (۱۵) نشانه راه رفتن

۴- ابزار جا و مکان: در تعریف بسیاری از مفاهیم ناگزیر از ذکر محلی هستیم که به نوعی با آن مفهوم مرتبط است. در زبان اشاره‌ای خانگی فاطمه این کار به دو شیوه‌ی زیر انجام شده است:

(الف) ابزار جا و مکان جهت نمایش محل مرتبط به مفهوم (بدون اشاره): زمانی که برای مشخص کردن محل مرتبط با مفهوم مورد نظر، نشانه‌ی مربوط را در محل مرتبط با آن تولید می‌کند. برای نمونه در نشانه دستبند (شکل ۱۶) کف قوس‌دار دست راست می‌توانست در هر قسمت از فضا تولید شود، اما این نشانه در محل مچ دست تولید شده است که بر این واقعیت اشاره دارد که دستبند با مچ دست رابطه‌ی معنایی نزدیکی دارد.



شکل (۱۶) نشانه دستبند

(ب) ابزار جا و مکان جهت نمایش محل مرتبط به مفهوم (با اشاره): گاهی اوقات برای مشخص کردن محل مرتبط با مفهوم مورد نظر به طور مستقیم به آن محل اشاره می‌شود. برای نمونه در نشانه زیبا (شکل ۱۷) که در واقع نشانه‌ای است مرکب از صورت + خوب، برای نمایش صورت به صورت خود اشاره می‌کند.



شکل (۱۷) نشانه زیبا

۵- ابزار آوایی: هنگامی که اشاره‌گر برای شناساندن یک مفهوم صدایی را تولید می‌کند که به نوعی با مفهوم مورد نظر در ارتباط است، از ابزار آوایی استفاده کرده است. این ابزار خود به سه زیر شاخه تقسیم می‌شود. (الف) ابزار آوایی مفهومی: زمانی که مفهوم مورد نظر صدای خاصی را تولید می‌کند. برای نمونه نشانه گربه (شکل ۱۸ الف) با تقلید نسبی صدای گربه و نشانه سگ (شکل ۱۸ ب) با تقلید صدای سگ نشان داده می‌شود.



(ب) نشانه سگ



(الف) نشانه گربه

شکل (۱۸)



(ب) ابزار آوایی لغوی: به هنگام تولید برخی نشانه‌ها، اشاره‌گر صدایی تولید می‌کند که در واقع صورت گفتاری آن نشانه در زبان گفتاری است که به صورت تقلیدی فراگرفته است. برای نمونه در نشانه‌ی اول (شکل ۱۹) به همراه نمایش عدد یک با انگشت سبابه، صدایی مشابه avval, تولید می‌کند.



شکل (۱۹) نشانه اول

(پ) ابزار آوایی نقشی: در برخی نشانه‌ها از ابزار آوایی برای تاکید بر نقش دهان و کلام در معنای مفهوم مورد نظر استفاده می‌شود. برای نمونه در نشانه‌ی صحبت کردن (شکل ۲۰) اشاره‌گر صدایی شبیه فوت کردن تولید می‌کند که در تمام نشانه‌هایی که به نوعی با سخن گفتن در ارتباط هستند، مشترک است. این بدان معناست که تولید این صدا در واقع تاکید بر نقش کلام در این نشانه است.



شکل (۲۰) نشانه صحبت کردن

۶- ابزار حالت صورت نمایش حالت صورت: با استفاده از این ابزار فرد مشخصه(ها)ی معنایی مفهوم مورد نظر را به وسیله حالات صورت به نمایش می‌گذارد. برای نمونه در نشانه‌ی سنگین (شکل ۲۱ الف) حالت صورت نشان می‌دهد که مشخصه‌ی سنگینی جزئی از معنای نشانه‌ی سنگین است. در برخی نشانه‌ها مشخصه‌ی معنایی که به توسط حالت صورت نمایش داده می‌شود تحت تاثیر یک باور شخصی و یا باور جمعی با مفهوم مورد نظر همایی دارد. برای نمونه در نشانه رقصیدن (شکل ۲۱ ب) لبخند همراه نشانه بر این حقیقت اشاره دارد که این مفهوم به گونه‌ای با شادی در ارتباط است.



الف) نشانه سنگین

شکل (۲۱)



ب) نشانه رقصیدن

۷- ابزار فضا: با توجه به ماهیت مکانی-فضایی عالم خارج و با توجه به اینکه زبان اشاره به خوبی می تواند این ویژگی را منتقل کند، ابزار فضا نقش بسیار موثری در برخی نشانه ها ایفا می کند. در این نشانه ها فضایی که دست ها ایجاد می کنند، به گونه ای با خود مفهوم ارتباط می یابد. به طور کلی این ابزار را می توان به دو شاخه ی اصلی تقسیم کرد:

الف) ابزار فضا جهت نمایش شکل مفهوم: در این شیوه فرد با فضایی که به توسط دست (ها) ی خود ایجاد می کند، شکل مفهوم را به تصویر می کشد. برای نمونه در نشانه سکه (شکل ۲۲) انگشتان سیابه و شصت در کنار یکدیگر فضایی مدور را ایجاد کرده اند که در حقیقت شکل مدور سکه را نمایش می دهد.



شکل (۲۲) نشانه سکه

(ب) ابزار فضا جهت نمایش اندازه مفهوم: این ابزار زمانی به کار می‌رود که اندازه مفهوم از طریق ایجاد فضایی میان دست‌ها (و یا انگشتان) نمایش داده می‌شود. برای نمونه در نشانه مرکب شیشه شیر بچه (شکل ۲۳ الف) که از دو بخش شیشه شیر + مکیدن تشکیل شده است، برای نمایش شیشه شیر از طریق ایجاد فضا میان دو انگشت سبابه، به اندازه آن اشاره شده است. در برخی نشانه‌ها نیز اندازه مفهوم از طریق ایجاد فضا بین دست و شئی دیگر نمایش داده می‌شود. برای نمونه در نشانه‌های بلند و کوتاه (شکل ۲۳ ب و پ) میان یک دست و زمین فضایی ایجاد می‌شود که اندازه مفهوم را نمایش می‌دهد.



(الف) نشانه شیشه شیر بچه

شکل (۲۳)



(ب) نشانه کوتاه



(پ) نشانه بلند

(پ) ابزار فضا جهت نمایش موقعیت فیزیکی: در برخی نشانه‌ها موقعیت فیزیکی مفهوم نسبت به فرد در جهان خارج در صورت نشانه به تصویر کشیده شده است. برای نمونه در نشانه‌ی پهن کردن لباس (بند لباس) (شکل ۲۴) موقعیت دست نسبت به فرد و جهت نگاه فرد به این حقیقت اشاره دارد که بند لباس می‌بایست در موقعیتی بالاتر از فرد قرار داشته باشد. در واقعیت نیز اغلب بندهای لباس معمولاً نسبت به فرد اندکی بالاتر قرار دارند.





شکل (۲۴) نشانه پهن کردن لباس (بند لباس)

۸- ابزار جهت: نشانه‌هایی که حرکت مفاهیم را نمایش می‌دهند، عموماً به جهت حرکت مفهوم مربوط نیز اشاره دارند. چرا که در بسیاری مواقع ذکر جهت حرکت یک مفهوم می‌تواند به عنوان مشخصه‌ای معنایی در بازشناسی معنای یک مفهوم بسیار سودمند واقع شود. این ابزار به انواع زیر تقسیم می‌شود:

(الف) ابزار جهت برای نمایش جهت حرکت مفهوم: در بسیاری از مفاهیم نمایش جهت حرکت نیز نقش مهمی در تداعی معنای مفهوم مورد نظر بر عهده دارد. برای نمونه در نشانه‌ی هو/پیما (شکل ۲۵ الف) جهت بالا و در نشانه‌ی افتادن (شکل ۲۵ ب) جهت پایین مسلماً اطلاعات بسیار باارزشی از معنای مفهوم مورد نظر را به مخاطب می‌دهد.



(الف) نشانه هو/پیما

شکل (۲۵)



(ب) نشانه افتادن

(ب) ابزار جهت برای نمایش موقعیت فیزیکی مفهوم: در برخی نشانه‌ها شکل مفهوم از طریق حرکت دست‌ها ترسیم می‌شود. در این موارد جهت حرکت دست‌ها موقعیت فیزیکی مفهوم را در فضای سه‌بعدی نمایش می‌دهد.

برای نمونه در نشانه‌ی استخر (شکل ۲۶ الف) دست‌ها در جهت افقی حرکت می‌کنند و بدین وسیله افقی بودن سطح استخر نسبت به اشاره‌گر را نمایش می‌دهند. در مقابل در نشانه‌ی تخته‌سیاه (شکل ۲۶ ب) جهت دست‌ها موقعیت عمودی تخته‌سیاه را برجسته می‌کنند.



شکل (الف) نشانه استخر

شکل (۲۶)



شکل (ب) نشانه تخته‌سیاه

#### ۴. نتیجه‌گیری

در این مقاله با اتخاذ دیدگاه انگیزتگی در رابطه‌ی صورت و معنی نشانه‌ها، ۶۳۴ نشانه‌ی اشاره‌ای یک زبان اشاره‌ی خانگی مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس این دیدگاه انسان به عنوان موجودی که می‌بایست با اطراف خود در تعامل باشد، به تمام وجوه معنایی آنچه در اطراف خود است به یک میزان توجه ندارد. در این بین او برخی از جنبه‌های معنایی را بر می‌گزیند و در قالب نشانه‌های اشاره‌ای به مخاطب عرضه می‌کند. به بیانی دیگر هر مفهوم دارای اطلاعات بیشماری است که در شناخت و تحدید معنای آن نقش اساسی دارد. حال برای نمایش یک مفهوم در یک زبان طبیعی می‌بایست بخشی از این اطلاعات را در صورت نشانه گنجانند تا به عنوان ارتباط میان صورت و معنای مفهوم مورد نظر نقش ایفا کند. هر یک از این ابزارهای انگیزتگی در حقیقت بیانگر جنبه‌ای از معنای مدلول است که در صورت نشانه‌ها به کار گرفته شده تا بدان وسیله مفهوم مورد نظر به مخاطب شناسانده شود. به عبارت دیگر این ابزارها کلیدهایی در صورت نشانه‌اند که مخاطب را به سمت معنی هدایت می‌کنند. بر این اساس هر یک از این ابزارها امکاناتی است که زبان‌های اشاره می‌توانند بر اساس آنها مفاهیم جهان خارج را در قالب نشانه‌های معنی‌دار به تصویر بکشند.

بررسی نشانه‌ها نشان می‌دهد که اکثر نشانه‌های بررسی شده رابطه‌ای انگیزتگی با مفاهیم مرتبط به آنها دارند و این رابطه بر اساس الگوهای محدودی است که در این مقاله تحت عنوان ابزارهای انگیزتگی معرفی و ارائه شد. نشانه‌های اشاره‌ای می‌توانند به صورت همزمان از یک یا چند ابزار بهره‌گیرند. هر چه تعداد ابزارهای به کار رفته در یک نشانه بیشتر باشد، ارتباط دال با مدلول آن محکم‌تر و معنی‌دارتر خواهد بود. بنابراین این ابزارها می‌توانند به عنوان معیار و میزان انگیزتگی یک نشانه نیز به کار روند. باید خاطر نشان کرد که این نوع نگرش به ابزارها به عنوان معیار انگیزتگی در تحقیقات گذشته مورد توجه نبوده است. ابزارهای انگیزتگی نقش بسیار کلیدی در تبیین نوع شناخت انسان از جهان اطراف خود دارد و مطالعه و شناخت هر چه بیشتر این ابزارها به معنای درک بهتر منطق نظام‌های زبانی است.

#### کتابنامه

- Armstrong, D. F. (1983). "Iconicity, arbitrariness, and duality of patterning in signed and spoken language: perspectives on language evolution" *Sign Language Studies* 38: 51–69.
- Burling, R. (1999). "Motivation, conventionalization, and arbitrariness in the origin of language", In B. J. King (ed.), *The Origins of Language: What Nonhuman Primates Can Tell Us* pp. 21-54. School of American Research Press.
- Chan, Marjorie K. M. and Xu, W. (2009). "Modality effects revisited: iconicity in Chinese sign language", In James H-Y. Tai and Jane Tsay, (Eds.), *Taiwan Sign Language and Beyond*, pp. 49-81. The Taiwan Institute for the Humanities National Chung Cheng University.
- DeMatteo, A. (1977). "Visual imagery and visual analogues in American sign language", In Lynn A. Friedman, (ed.), *On the Other Hand* pp. 109–36. London: Academic Press.
- Goldin-Meadow, S. (2003). *The Resilience of Language*. New York: Psychology Press.
- Haiman, J. (ed.). (1985). *Iconicity in Syntax: Proceedings of a Symposium on Iconicity in Syntax*,. Amsterdam: John Benjamins.
- Jespersen, O. (1933). "Symbolic value of the vowel i", In *Linguistica; Selected Papers in English, French, and German*, pp: 283-303. Copenhagen: Levin & Munksgaard.
- Mandel, M. (1977). "Iconic devices in American sign language", In Lynn A. Friedman, (ed.), *On the Other, Hand* pp. 57–107. London: Academic Press.
- Padden, C. (1988). *Interaction of Morphology and Syntax in American Sign Language*. New York: Garland.
- Rhodes R. (1994). "Aural images", In L. Hinton, J. Nichols and J.J. Ohala (eds.), *Sound Symbolism*, pp. 276-92. Cambridge: Cambridge University Press.
- Sapir E. (1949). "A study in phonetic symbolism", In D. G. Mandelbaum (ed.), *Selected Writings of Edward Sapir*, pp. 61-72. Berkeley: University of California Press.
- Saussure, F. de (1974). *Course in General Linguistics*, trans. W. Baskin, rev. ed. London: Owen.
- Slobin, D. I. (2005). "Linguistic representations of motion events: what is signifier and what is signified?", In C. Maeder, O. Fischer, & W. Herlofsky (eds.), *Iconicity Inside Out: Iconicity in Language and Literature* 4, pp. 307-322. Amsterdam, Philadelphia: John Benjamins.
- Su, S. and Tai, J. (2009). "Lexical comparison of signs from Taiwan, Chinese, Japanese, and American sign languages: Taking iconicity into account," In Tai, J and Tsay, J. (Eds.) *Taiwan Sign Language and Beyond*, pp. 149-175. National Chung Cheng University.
- Sutton-Spence, R. and Woll, B. (1999). *The Linguistics of British Sign Language: An Introduction*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Tai, J. (2005). "Modality effects: Iconicity in Taiwan sign language", In Dah-an Ho and Ovid J. L. Tzeng (Eds.), *POLA FOREVER: Festschrift in Honor of Professor William S-Y.Wang on his 70<sup>th</sup> Birthday*, pp. 19-36. Taipei: Academia Sinica.
- Taub, S. (2010). *Language from the Body: Iconicity and Metaphor in American Sign Language*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Tervoort, B. T. (1961). "Esoteric symbolism in the communication behavior of young deaf children" *American Annals of the Deaf*, 106 (5), 436-480.

